

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۱۵ سپتمبر ۲۰۰۹

شکوه

(۶) در المان :

{ ث }

گفت ! کنم چاره فقط دردِ سر
رو به برِ پیر و حکیمِ دگر
گشت روان سوی طبیبی دگر
چاره گری دردِ دل و پای و سر
وای رجب ، دردِ مریضان نگر
هر طرفش ، فوجِ طبیبان نگر
گفت ! طبیبان ز برای خدا
لطفی کن و چاره دردم نما
پاسخی دادش که دواهای من
بود شفا ، بر مرضِ مرد و زن
وای رجب ، خیلِ طبیبان نگر
کهنه شده دارو و درمان نگر
فصلِ خزان است و بهارش گذشت
موجِ گل و فوجِ هزارش گذشت

رو به بری تازه طبیب دگر
 چاره درد تو کند ساده تر
 وای رجب ، خیل طبیبان نگر
 کهنه شده دارو و ، درمان نگر
 پیری برش آمد و گفتا بیا
 درد ترا ، زود نمایم شفا
 روز و شبم پشت مریضان روان
 حیف ، مریضان سوی دیگر دوان
 وای رجب ، تازه طبیبان نگر
 هر طرفی پشت مریضان نگر
 نبض جهان در کف تدبیر من
 داروی هر درد ، به تفسیر من
 چاره هر مشکلی تعبیر من
 حل معماست ز تبشیر من
 وای رجب ، تازه طبیبان نگر
 دارو و درمان مریضان نگر
 داروی اول چو محبت نوشت
 بهر تحری حقیقت نوشت
 ترک تقالید و تعصب نوشت
 سوختن بغض و هم از حب نوشت
 وای رجب ، دارو و درمان نگر
 بهر علاج همه یکسان نگر

شکوه

(٦) در المان :

{ خ }

وحدتی بر عالمِ انسان نوشت
خویشی با جملهٔ ادیان نوشت
حُرمت و هم خدمتِ نوعِ بشر
تا که شود نخلِ وفا ، بارور
وای رجب ، دارو و درمان نگر
وحدتی بر عالمِ انسان نگر

بقیه دارد